

اصلاحات ترکیه و خواسته‌های اتحادیه اروپا

سیداسدالله اطهری

پژوهشگر مقیم مرکز پژوهش‌های علمی و

مطالعات استراتژیک خاورمیانه

زمانی که ترکیه در سال ۱۹۶۳

توافق نامه‌ای با جامعه اقتصادی اروپا امضا کرد، امکان عضویت ترکیه در جوامع اروپایی

پدید آمد. ترکیه مدتهای زیادی خواستار

عضویت در اتحادیه اروپا بود و عضویت در این

اتحادیه تجسم نهایی طرح غربی شدن ترکیه

تلقی می‌شد که از اوایل تأسیس انقلاب

ترکیه در سال ۱۹۲۳ خواهان آن بود. در

زمان ریاست فنلاند بر اتحادیه اروپا در

سال ۱۹۹۹ ترکیه به عنوان کشور نامزد

عضویت کامل اتحادیه اروپا پذیرفته شد.

زمانی که یک کشور در وضعیت کشور کاندید

قرار می‌گیرد، باید معیارهای کپنهاگ را

بپذیرد. این معیارها، معیارهای سیاسی

هستند که در زمان نشست کپنهاگ در زمان

ریاست دانمارک بر اتحادیه اروپا در سال

۱۹۹۳ تصویب شده‌اند. چنانچه در مصوبه

اتحادیه اروپا در اجلاس کپنهاگ در سال ۱۹۹۳ بیان شده است:

۱. کشور کاندیدا قبل از عضویت

کامل در اتحادیه اروپا باید شرایط زیر را دارا

باشد. ثبات و پایداری مؤسساتی که ضامن

دموکراسی هستند، حکمرانی قانون، حقوق

بشر و احترام و حمایت از اقلیتها، وجود یک

اقتصاد کارآمد نظری قابلیت تحمل

فشارهای رقابتی، و توانایی برآمدن از عهده

وظایف عضویت شامل تبعیت از اهداف

سیاسی، اقتصادی و مالی که اتحادیه آنها را

ایجاد کرده است. ایجاد شرایطی برای کامل

شدن از طریق اصلاح ساختارهای اجرایی

آنچنان که قانون جامعه اروپا بر قوانین ملی

تحمیل کرده که شکل مؤثری از طریق

ساختارهای اجرایی و قضایی مناسب به کار

گرفته شده‌اند.

از سال ۲۰۰۱ ترکیه اقدامات مؤثری

را به منظور موافقت با معیارهای کپنهاگ

انجام داد. یکی از مهم ترین اقدامات

اصلاحی در سوم آگوست ۲۰۰۲ تصویب

شد. این اقدام شامل گامهای مهمی بود

نظیر: لغو دیه فوت در زمان صلح، وضع قانون

بخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی به زبان

کردی، قانون تدریس زبان کرد و دیگر زبانهای محلی در دوره‌های ویژه، افزایش آیین‌نامه‌های پلیس، افزایش حقوق جوامع مذهبی غیر مسلمان، به خصوص لغو دیه فوت درخواست مهمی از جانب اتحادیه اروپا بود. از آنجا که ترکیه از سال ۱۹۸۴ هیچ جریمه‌ای از این بابت پرداخت نکرده بود، این حرکت گام بزرگی بود. هنگامی که مجلس تصمیم گرفت رییس حزب کارگران کرد PKK عبدالله اوجالان را بازگرداند. این مطلب تجزیه و تحلیل نقش نیروهای نظامی در سیاستهای ترکیه و نگرش به روند ترکیه در اتحادیه اروپا را مد نظر دارد. بنابراین، بیش از این درباره بسیاری از اصلاحات مختلفی که در ترکیه دارای توافق با استانداردهای U: I انجام داده است وارد جزئیات نمی‌شوم. اتحادیه درباره اشاره مستقیم به نقش نیروهای نظامی با احتیاط و تدبیر وارد عمل شده است؛ تا آنجا که اتحادیه به این درک رسیده که نیروهای نظامی به ثبات و پایداری کمک می‌کنند، از سکولاریسم حمایت می‌کنند و حقانیت در درون ترکیه دارند، واضح است که نقش ویژه‌ای که نیروهای نظامی در سیاست ترکیه

ایفا می‌کنند، به خصوص از طریق MGK، با خواسته‌های مثبت مؤسساتی که ضامن دموکراسی هستند و حاکمیت قانون که پیش از این در معیارهای کپنهاگ به آن اشاره شد، تطابقی ندارد.

اصلاحات

حزب عدالت و توسعه دولت فعلی (AK) به رهبری نخست وزیر اردوغان، وظایف دشواری را در کاهش نقش نیروهای نظامی در سیاستهای ترکیه به عنوان بخشی از تلاشها برای شروع گفتگوی بیشتر با اتحادیه بر عهده دارد. این وظیفه زمانی مشکل تر می‌شود که با یک نکته مهم و البته مشکل برای حزب AK برخورد می‌کند و آن ریشه‌های سیاسی در جنبش اسلامی اربکان است. بنابراین، تشکیلات سکولاریسم به خاطر ریشه‌های اسلامی با دیده شک به آن می‌نگرند. مجلس که حزب AK در آن اکثریت دارد، اصلاحات هفتم را در ۲۳ جولای ۲۰۰۳ با هدف محدود کردن نقش ارتش از طریق اصلاح MGK (مجلس امنیت ملی) تصویب کرد. قبلاً عنوان شد که MGK یک عضو مشاوره‌ای است و تعداد اعضای

غیرنظامی آن در حال افزایش است. اکنون برای هر شخصی با گذشته غیرنظامی به دست آوردن جایگاه قدرتمندی نظیر دبیر کل این تشکیلات نیز میسر است. این مجمع نیروهای اجرایی و نظارتی خود را گسترش نداده و به طور مثال حتی قدرت نفوذی بر رئیس جمهور و نخست وزیر برای به کارگیری توصیه های MGK را هم ندارد. به علاوه MGK دسترسی نامحدود به همه مؤسسات داخلی کشور را هم ندارد. MGK نماینده ای در هیأت نظارت بر سینما، ویدئو و موسیقی ندارد. اگر چه در مؤسسات داخلی نظری هیأت عالی رادیو و تلویزیون و هیأت آموزش عالی دارای نمایندگانی است.

عکس‌العمل‌های اتحادیه اروپا

تقریباً به محض اینکه اصلاحات هفتم تصویب شد، سران اتحادیه اروپا هم خواستار اجرای آن شدند. اصلاحات هفتم همواره با عفو و بخششهایی برای اعضای PKK همراه بود. یکی از دیپلمات‌های اتحادیه به خاطر بیان این مطلب در تایمز اقتصادی مورد مؤاخذه قرار گرفته بود. این دو اقدام، بی شک بسیار خوشایند هستند. ترکیه آماده

شروع مذاکرات است.

گزارش رسمی منتشره در سال ۲۰۰۳ در مورد پیشرفت ترکیه جهت ورود به اتحادیه که در تاریخ پنجم نوامبر آن سال کاملاً رضایت بخش و مثبت بود و حتی متعادل تر از منابع خبری تایمز اقتصادی به حساب می آمد. در گزارش بیان شده بود که اصلاحات عمدتاً کارکرد MGK را تعریف کرده است. مجمع خاطر نشان کرده بود که به نظر می رسد ترکیه در پیشبرد مؤثر اصلاحات مصمم است، تا جایی که نمایندگان نیروهای نظامی از مؤسسات داخلی بیرون کشیده شده اند و مجلس بر بودجه دفاعی نظارت کامل دارد. مجمع در گزارش خود این گونه نتیجه گیری می کند که برخی از اصلاحات از آنجا که با مسایل مهم سیاسی درباره ترکیه مصادف شده اند، بر موضوعات مهم سیاسی مانند آزادی بیان، حقوق فرهنگی و نظارت مدنی ارتش دلالت می کند. شایان ذکر است که در گزارش، این مجمع اهمیت نسبتاً کمتری به نقش سیاسی ارتش داده است؛ شاید این مطلب تأییدی بر ادعای Hansen باشد که در مقایسه با مطالبی نظیر موافقت با حقوق بشر و احترام به

اقلیتهای نژادی و مذهبی در روابط بین اتحادیه اروپا و ترکیه ارتش نقش کم اهمیت تری دارد.

عکس العمل نیروهای نظامی

ارتش عامل مهم و غربی در فرایند مدرنیزه شدن و یا به طور کلی اروپایی شدن محسوب می شود. ژنرال قلیچ، دبیر کل سابق MGK در سخنرانی جشن خداحافظی خود می گوید: با این اصلاحات، مجمع جایگاه خود را به طور قانونی حفظ کرد اما بدون کارایی بازماند. بعد از اینکه مجلس اصلاحات را تصویب کرد ارتش ترکیه یکی از افسران ارشد خود را به عنوان دبیر کل جدید MGK منصوب کرد. این انتصاب قبل از اینکه رییس جمهور احمد سزر اصلاحات را تصویب کند، صورت گرفت و به عبارتی ارتش می توانست همچنان جایگاه قبلی خود را حفظ کند.

در این دوره معلوم نبود که رییس جمهور اصلاحات را می پذیرد یا از حق خود استفاده می کند. بعضی از گزارشهای روزنامه ها حاکی از این بود که نخست وزیر اردوغان با ژنرالها مشاوره کرده است در این

ملاقاتها افسران ارتش و برخی از اعضای دولت نیز حضور داشتند. به هر حال اصلاحات برای بار دیگر مورد تصویب قرار نگرفت، چرا که اگر توسط رییس جمهور و تو شده بودند. به نظر می رسد که مخالفان ارتش و کسانی که به اصلاحات تمایل ندارند و اغلب هنوز هم در رأس امور هستند، می توانند منابع اصلی تضاد در ترکیه باشند. ارتش در جامعه ترکیه از حقانیت زیادی برخوردار است. از سوی دیگر، اکثریت جمعیت ترکیه از روند اصلاحات و چشم انداز عضویت در اتحادیه اروپا حمایت می کنند. اگر ارتش عضویت در اتحادیه اروپا و دموکراتیزاسیون را به خاطر بقای نقش اصلی و متضاد خود در سیاستهای ترکیه به مخاطره بیندازد، جای شک است که بتوانند سطح بالای حقانیت ملی خود را حفظ کند. تا زمانی که ارتش از سوی سکولارهای متعصب حمایت می شود، می توان آنها را اصول گرایان سکولار نامید، جایگاه آتی ارتش در سیاستهای ترکیه به برخوردی میان نیروهای اصول گری سکولار شامل ارتش و اکثریت مردمی که حامی دموکراتیزاسیون و عضویت در اتحادیه اروپا هستند، تبدیل خواهد شد.

نتیجه گیری

از طریق این مطلب سعی شد تا نقش ارتش در سیاستهای ترکیه تحلیل شود. این تجزیه و تحلیل به دو بخش تقسیم می شود که می توان از آنها تحت عنوان افزایش و کاهش نقش ارتش در سیاستهای ترکیه نام برد.

۱. شکل نقش ارتش در سیاستهای ترکیه: ارتش همواره جایگاه ویژه ای را در جامعه ترکیه به خود اختصاص داده است که اثر آن را می توان در نقش بحرانی ارتش در جنگ با امپراتوری عثمانی و اساس انقلاب ترکیه مدرن پیدا کرد. ارتش در دوره اول انقلاب کاملاً از زندگی سیاسی جدا بود. شکل گیری آن در سال ۱۹۲۳ تا اولین کودتای نظامی در ۱۹۶۰ با پیدایش مجمع شورای امنیت ملی، حکومت نظامی که در سال ۱۹۶۰ پی ریزی شد، برای ارتش نقش اصلی تضمین شده مشروطه ای در نظر گرفته شد که دایم به حاکمیت دولتی آسیب وارد می کرد. در سال ۱۹۷۱ نیروهای مسلح قدرت را در دست نگرفتند، اما نخست وزیر سلیمان دمیرل را مجبور به عقب نشینی و جایگزینی با حکومتهای

غیرنظامی کشوری کردند و بدین ترتیب قدرت MGK، به عنوان ابزاری برای ارتش به منظور تحت نظارت داشتن سیاستهای ترکیه، اثبات شد. در مراحل بعد، استقلال نظامی به ویژه به واسطه قانون اساسی ۱۹۸۲ که توسط حکومت نظامی نوشته شده بود، افزایش یافت. تغییر دموکراسی فقط در سال ۱۹۸۳ تحت نظارت دقیق انجام شد. بعد از آن قدرت MGK افزایش یافت و از سال ۱۹۸۲ اکثریت نظامی را هم دارا شد. دوباره در سال ۱۹۹۸ نیروهای نظامی از طریق MGK ثابت کردند که حرف آخر با آنهاست؛ آنها که نخست وزیر اربکان را مجبور به عقب نشینی در مقابل آنچه که آنها آن را کودتای پست مدرن نامیده اند، کردند.

۲. کاهش نقش نیروهای نظامی و روند دموکراتیزاسیون و دستیابی به اتحادیه اروپا: از بدو تأسیس، ترکیه راهبرد غربی شدن و عضویت احتمالی اتحادیه اروپا که می توان آن را ایستگاه آخر غربی شدن نامید، دنبال می کند. زمانی که به ترکیه در سال ۱۹۹۹ موقعیت رسمی دولت کاندیدا داده شد، این کشور به منظور توافق با معیارهای کپنهاگ یعنی معیارهای سیاسی اتحادیه

اروپا، اصلاحات زیادی را تصویب کرد. در محدوده اتحادیه اروپا این درک از ارتش وجود داشته که ارتش به ثبات کمک کرده، سکولاریسم را امنیت بخشیده و در ترکیه از حقانیت داخلی برخوردار است. واضح به نظر می‌رسد که نقش اصلی نیروهای نظامی در سیاستهای ترکیه به ویژه از طریق MGK با خواسته‌های دموکراسی که در معیارهای کپنهاگ توصیف شده‌اند، مطابقت ندارد.

دولت فعلی شامل حزب عدالت و توسعه یعنی حزب AK به رهبری نخست‌وزیر اردوغان، به عنوان بخشی از تلاششان برای شروع گفتگو با اتحادیه اروپا و وظیفه دشوار کاهش نقش نیروهای نظامی در سیاستهای ترکیه را عهده دار است. این وظیفه به ویژه برای دولت حزب AK دشوارتر است؛ چون ریشه در اسلام سیاسی دارد و از سوی مؤسسات سکولاریسم و نیروهای نظامی به دیده شک به آنها نگاه می‌شود. مجلس در جولای ۲۰۰۳ اصلاحات هفتم را به امید محدود کردن نقش نیروهای نظامی از طریق اصلاح MGK تصویب کرد. این اقدامات برای اتحادیه اروپا خوشایند است، اما گزارش رسمی مجمع اروپا درباره ترکیه که در تاریخ

پنجم نوامبر ۲۰۰۳ منتشر شد، معتقد است که این اصلاحات باید به شکل مؤثری به کار بسته شوند که نمایندگان نیروهای نظامی از مؤسسات غیرنظامی بیرون کشیده شوند و مجلس کنترل کامل بر بودجه دفاعی را به دست گیرد. اگر چه نشانه‌ای از دخالت نیروهای نظامی در اصلاحات به چشم نمی‌خورد، اما پیامهای ارتش درباره کاهش نقش آن در سیاست منفی است.

به نظر می‌رسد که در حال حاضر ترکیه درباره تردید برای بیمه کردن نقش اصلی نیروهای نظامی در سیاست و ادامه روند دموکراتیزه با امید به عضویت کامل اتحادیه اروپا بر سر چهارراهی ایستاده است. همان‌طور که اتحادیه اروپا به درستی در گزارش رسمی خود در سال ۲۰۰۳ اشاره کرده است، اصلاحات هنوز هم باید به کار بسته شود. حتی بعد از به کارگیری مؤثر این اصلاحات، نیروهای نظامی هنوز هم درباره مواردی که نمی‌شود آنها را سیاست دفاعی یا امنیت نام گذاشت، حرفی برای گفتن دارند. در حال حاضر، به نظر می‌رسد که ترکیه هنوز سیستم حاکمیت دو گانه دارد. در یک سو، مجلس منتخب دولتی و حکومتی و در سوی

صهیونیسم: نژادپرستی و تبعیض نژادی

حسن خداوردی

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی آشتیان

مقامات اسرائیل از بدو تأسیس این کشور (۱۹۴۸) تاکنون در راستای نیل به آرمان خود یعنی گردآوری و اسکان یهودیان در سرزمین موعود و پاک سازی نژادی منطقه به هر سلاحی چون کشتار، خشونت، بازداشت، شکنجه، ترور، فشارهای اقتصادی، تخریب منازل فلسطینی ها، شهرک سازی و ممانعت از بازگشت آوارگان فلسطینی متوسل شده اند. اعمال چنین فشارهایی علیه فلسطینی ها همگی در راستای سیاست نژاد پرستی اسرائیل تحلیل می گردد که این امر پس از شکست مذاکرات صلح و آغاز انتفاضه الاقصی (۲۰۰۰) شدتی دوچندان یافته است.

آغاز سخن

در عصری که ما در آن زندگی می کنیم، واژه هایی چون حقوق بشر،

دیگر نیروهای نظامی قرار دارند که از طریق شورای امنیت ملی (MGK)، هر چند که قدرت آن پس از به قدرت رسیدن اردوغان و انجام اصلاحات توسط اردوغان کاهش یافته، در موارد گوناگون سیاسی حرفی برای گفتن دارند. در میان مردم ترکیه، اکثریت بی شماری حامی روند دموکراتیزه شدن بوده و تعدادی نیز خواهان عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا هستند. در هیچ یک از کشورهای اروپایی که کاندیدای عضویت در اتحادیه اروپا هستند، در موضوع مذکور، مردم و جامعه مدنی تا بدین حد با همدیگر متحد نبوده اند. اگر اصول گرایان سکولار نیروهای نظامی روند دموکراتیزه شدن و امکان عضویت در اتحادیه اروپا را به مخاطره بیندازند، بعید است که آنها به ویژه نیروهای نظامی بتوانند محبوبیت بالای ملی خود را حفظ کنند.

